

تحلیل کیفی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی زنان آسیب‌دیده اجتماعی تحت پوشش سازمان بهزیستی استان خراسان رضوی (سال ۱۴۰۳)

محمد غفاری زاده (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

yoones_m11@yahoo.com

فاطمه صدرنبوی (گروه علوم اجتماعی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

fatemeh.sadrnabavi@iaui.ac.ir

مجید فولادیان (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

fouladiyan@um.ac.ir

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی و شناخت مهم‌ترین مشکلات زنان آسیب‌دیده اجتماعی تحت پوشش سازمان بهزیستی در استان خراسان رضوی طی سال ۱۴۰۳، با استفاده از رویکرد کیفی و روش تحلیل تماتیک انجام شده است. این پژوهش پس از مصاحبه با ۲۰ نفر از زنان آسیب‌دیده اجتماعی به اشباع دست یافته است. مشارکت کنندگان با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت یافته جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل تماتیک مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زنان مورد مطالعه به دلیل فقدان مهارت‌های حرفه‌ای، محدودیت فرصت‌های شغلی، تبعیض‌های اجتماعی، مشکلات روانی و کمبود حمایت‌های اجتماعی، با چالش‌های متعددی در زمینه توانمندسازی اقتصادی-اجتماعی مواجه هستند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، ضرورت طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی، مشاوره‌ای و حمایتی جامع را به منظور توانمندسازی این گروه از زنان مورد تأکید قرار می‌دهد. این پژوهش می‌تواند به عنوان یک منبع اطلاعاتی کاربردی برای نهادهای مرتبط و سیاست‌گذاران در جهت بهبود شرایط زندگی زنان آسیب‌دیده اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، زنان آسیب‌دیده، تحلیل تماتیک، خراسان رضوی، سازمان بهزیستی

بیان مسأله

در دهه‌های اخیر، کاهش فقر و افزایش سطح رفاه خانوار به یکی از موضوعات کلیدی توسعه اقتصادی کشورها تبدیل شده است. فقرزدایی و بهبود سطح رفاه اجتماعی از ملزومات اساسی رشد اقتصادی به‌شمار می‌رود (گالبرایت^۱، ۲۰۰۷). با این وجود، اجرای سیاست‌های مؤثر برای مقابله با فقر همچنان با چالش‌های جدی مواجه است. در ایران، پس از انقلاب اسلامی، برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی و کاهش فقر در اولویت برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار داشته است. با این حال، علی‌رغم اجرای برنامه‌های متعدد، آمارها نشان می‌دهد که میزان فقر همچنان رو به افزایش بوده و تأثیرگذاری این برنامه‌ها نیازمند بررسی و بازنگری است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۲-۱۳۸۶).

یکی از گروه‌های اجتماعی که به‌طور ویژه در معرض فقر، تبعیض و محرومیت قرار دارند، زنان آسیب‌دیده اجتماعی هستند. این زنان غالباً از فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسبی برخوردار نبوده و نیازمند حمایت‌های هدفمند برای توانمندسازی هستند. توانمندسازی این گروه به معنای افزایش استقلال، خودکفایی و مشارکت فعال آن‌ها در جامعه است که می‌تواند منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها شود (بانک جهانی، ۲۰۱۶). برنامه‌های توانمندسازی، شامل آموزش‌های حرفه‌ای، حمایت‌های مالی و اجتماعی و ایجاد فرصت‌های شغلی، از جمله سیاست‌هایی است که در بسیاری از کشورها برای کاهش فقر و بهبود وضعیت اجتماعی این قشر اجرا شده است (هندی^۲، ۲۰۰۴).

در ایران، سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان یکی از نهادهای حمایتی، برنامه‌های متعددی را با هدف توانمندسازی اقتصادی-اجتماعی زنان آسیب‌دیده اجرا کرده است. برای مثال، در استان خراسان رضوی، سالانه بودجه‌ای قابل توجه برای این برنامه‌ها تخصیص داده می‌شود (سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۹۹). با این حال، بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که بسیاری از این برنامه‌ها به اهداف تعیین‌شده خود دست نیافته‌اند و نیاز به بازنگری و بهبود دارند. عوامل مهمی در عدم دستیابی برنامه‌ها به اهداف خود موثر است برخی از متغیرها ناشی از عدم شناخت کافی جامعه هدف و نامتناسب بودن سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات می‌باشد.

پژوهش حاضر با هدف بررسی مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های پیش روی زنان آسیب‌دیده در جهت توانمندسازی آنان صورت گرفته است.

به طور کلی این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤالات اساسی بود: مهم‌ترین چالش‌ها و موانع عدم دستیابی سیاست‌های موجود در جهت توانمندسازی زنان آسیب‌دیده کدام‌اند؟ چه راهکارهایی جهت برخورد با این چالش‌ها وجود دارد؟

¹ Galbraith

² Handy

مبانی نظری:

در ابتدا به مفهوم توانمندسازی^۱ و ابعاد آن اشاره می‌شود و سپس مهم‌ترین تئوری‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. توانمندسازی به عنوان یک مفهوم چند وجهی، فرآیندی پویا و جامع است که از طریق آن، افراد، گروه‌ها یا جوامع، کنترل و عاملیت بیشتری بر زندگی خود اعمال می‌نمایند (گیره‌هارت^۲، ۲۰۲۳). این فرآیند، مستلزم ارتقای توانایی‌های تصمیم‌گیری و اجرای مؤثر این تصمیمات در راستای بهبود شرایط زیستی است. هسته اصلی توانمندسازی، افزایش دسترسی به منابع مادی و معنوی، کسب اطلاعات و مهارت‌های لازم، ایجاد و بهره‌مندی از فرصت‌های متنوع، و همچنین تقویت ابعاد روانشناختی نظیر اعتماد به نفس و خودباوری است (میلر^۳ و همکاران، ۲۰۲۴). این مفهوم در حوزه‌های گوناگون از جمله اقتصاد، اجتماع، سیاست و روانشناسی قابل بررسی و اجرا بوده و هدف غایی آن، ارتقای کیفیت زندگی و افزایش مشارکت فعال افراد در عرصه‌های مختلف اجتماعی است.

مفهوم توانمندسازی در ادبیات علمی به شیوه‌های گوناگون تعریف شده است، در برخی از تعاریف مبنا حقوق و دسترسی به منابع است. بر این اساس توانمندسازی به عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که به افراد کم‌درآمد و محروم کمک می‌کند تا به حقوق قانونی و اجتماعی خود دست یافته و کنترل بیشتری بر منابع طبیعی و اجتماعی مؤثر بر زندگی خود اعمال نمایند.

در گروهی دیگر از تعاریف توانمندسازی بر مبنای افزایش قدرت و عاملیت صورت گرفته است. لذا توانمندسازی به مثابه فرآیندی در نظر گرفته شده است که از طریق آن، افراد یا گروه‌ها بر چالش‌ها و مشکلات خود مسلط شده و قادر به تأثیرگذاری بر مسائل مرتبط با زندگی خود می‌گردند. همچنین توانمندسازی شامل ارتقای قدرت فردی، بین فردی و سیاسی افراد در نظر گرفته می‌شود که منجر به بهبود شرایط زندگی آنان می‌شود. این فرآیند، ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی، افزایش خودکارآمدی، کاهش خودسرزنی و ایجاد آگاهی انتقادی را در بر می‌گیرد (بریویو^۴، ۲۰۲۳).

نهایتاً در تعریف توانمندسازی به ابعاد چندگانه آن توجه می‌شود که این شامل افزایش دسترسی به اطلاعات، کنترل بر دارایی‌ها و منابع، ارتقای اعتبار و منزلت اجتماعی، دستیابی به موقعیت‌های تصمیم‌گیری، و مشارکت فعال در فرآیندهای سیاست‌گذاری می‌باشد.

مدل‌ها و نظریه‌های توانمندسازی

توانمندسازی به عنوان یک مفهوم کلیدی در توسعه پایدار، مورد توجه نظریه‌پردازان متعددی قرار گرفته است. در این راستا، چندین نظریه و مدل مهم ارائه شده‌اند که به بررسی ابعاد مختلف توانمندسازی پرداخته‌اند. برخی از این نظریه‌ها شامل مدل

¹ - Empowerment

² Gearhart

³ Miller

⁴ Brivio

توانمندسازی سارا لانگه^۱، نظریه تلفیق توانمندسازی و ادغام اجتماعی لین بنت^۲، نظریه توانمندی و آزادی انتخاب آمارتیا سن^۳، نظریه توانمندسازی اجتماع محور دیوید فیتزمن^۴ و نگرش سه وجهی به توانمندسازی نایلا کبیر^۵ هستند.

سارا لانگه با تأکید بر اهمیت برابری جنسیتی در فرآیندهای توسعه، معتقد است که بسیاری از نظریه‌های توسعه، برابری را صرفاً در چارچوب شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر آموزش، اشتغال و قوانین تعریف می‌کنند. این نگاه محدود باعث می‌شود که نقش اساسی برابری جنسیتی در توسعه نادیده گرفته شود. لانگه بر این اساس، یک مدل پنج مرحله‌ای برای سنجش توانمندی زنان پیشنهاد می‌کند: توجه به وضعیت مادی و نیازهای اولیه افراد، بررسی میزان دسترسی زنان به منابع و فرصت‌ها، افزایش شناخت زنان نسبت به مسائل اجتماعی و اقتصادی و دلایل شکل‌گیری آن‌ها، فراهم‌سازی بسترهای مشارکت فعال زنان در تصمیم‌گیری‌ها. و نهایتاً توانایی زنان در تصمیم‌گیری‌های مستقل و اجرای راه‌حل‌های پیشنهادی.

لین بنت مدل خود را با هدف فقرزدایی پایدار و ایجاد تغییرات اجتماعی ارائه می‌دهد. در این مدل، فرآیندهای توانمندسازی از پایین به بالا و ادغام اجتماعی از بالا به پایین به عنوان دو رویکرد مکمل در توسعه اجتماعی معرفی می‌شوند. این مدل به دنبال تغییر ساختارهای قدرت موجود در جامعه است و بر توانمندسازی گروه‌های محروم تأکید دارد. بنت معتقد است که یکی از عناصر کلیدی این فرآیند، کمک به گروه‌های فقیر برای بهره‌گیری از قدرت عمل جمعی‌شان است.

آمارتیا سن توانمندسازی را در چارچوب آزادی انتخاب تعریف می‌کند. از دیدگاه وی، درآمد نه تنها یک ابزار مهم برای توانمندسازی است، بلکه افزایش توانمندی در زمینه‌های غیراقتصادی نیز می‌تواند منجر به ارتقای بهره‌وری اقتصادی و افزایش درآمد شود. در این نظریه، توانمندی هر فرد به معنای امکان انتخاب میان ترکیب‌های مختلفی از عملکردها و شیوه‌های زندگی است. در نتیجه، توانمندسازی نه تنها به دسترسی به منابع بلکه به قابلیت انتخاب و استفاده از آن‌ها نیز بستگی دارد.

از نگاه دیوید فیتزمن توانمندسازی را به عنوان یک فرآیند پنج مرحله‌ای است؛ شکوفایی قابلیت‌های فردی از طریق یادگیری و توسعه مهارت‌ها، کمک به افراد در کسب ابتکار عمل، تصمیم‌گیری و خلاقیت، ایجاد شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌های مالی و دسترسی به حمایت‌های عاطفی و مادی، افزایش آگاهی، روشنگری و انگیزه بخشی برای اقدام جمعی و سرانجام عبور از انتظارات و نقش‌های سنتی برای تعریف مجدد هویت و نقش‌های اجتماعی.

نایلا کبیر توانمندسازی را از طریق سه مؤلفه اصلی تحلیل می‌کند؛ شرایطی که امکان انتخاب را فراهم می‌کنند، فرآیند گزینش و تصمیم‌گیری فردی و نتایج ناشی از انتخاب‌های مختلف. وی بر این باور است که این سه بعد در تعامل با یکدیگر قرار دارند و تغییر در هر یک، بر سایر ابعاد تأثیر می‌گذارد. کبیر تأکید دارد که بررسی توانمندسازی در چارچوب اجتماعی و

¹ Sara Longwe

² Lynn Bennett

³ Amartya Sen

⁴ David Fetterman

⁵ Naila Kabeer

فرهنگی باید به گونه‌ای انجام شود که مشخص کند هر یک از این مؤلفه‌ها چگونه فرصت‌های انتخاب را برای گروه‌های هدف فراهم می‌کنند.

بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهند که این مفهوم صرفاً به مسائل اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روانی نیز نقش مهمی در این فرآیند دارند. توانمندسازی نه تنها شامل افزایش دسترسی به منابع بلکه شامل ایجاد آزادی انتخاب، توسعه مهارت‌ها و تغییر در روابط قدرت اجتماعی است. از این رو ضرورت دارد که هم سیاست‌گذاران و هم پژوهشگران ابعاد متفاوت آن را در سیاستگذاری‌ها و تحقیقات خود در نظر داشته باشند.

پیشینه تحقیق:

اهمیت و حساسیت موضوع توانمندسازی بویژه در مورد زنان باعث گردیده است که محققان مختلفی از ابعاد گوناگون به این مساله توجه نمایند در ادامه به برخی از مرتبط‌ترین این تحقیقات اشاره می‌شود. یک دسته از این تحقیقات به بررسی اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های توانمندسازی زنان آسیب دیده پرداخته‌اند (نادری و همکاران، ۱۴۰۰؛ دماری و همکاران، ۱۳۹۹؛ الهیاری و اسدی، ۱۳۹۴؛ خیری و زارعان، ۱۳۹۴؛ عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۷۹؛ زارعان و همکاران، ۱۳۹۷؛ شکوری، ۱۳۸۷؛ پورگیو، ۱۳۸۸). مرور این دسته از تحقیقات نشان داد که برنامه‌ها و اقدامات انجام شده در بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی زنان هدف نقش مثبتی داشته‌اند. اما محدودیت‌هایی مانند پوشش ناکافی، کمبود منابع و مشکلات اجرایی از جمله مهم‌ترین محدودیت‌های مورد اشاره این برنامه‌ها بوده است که مورد اشاره این محققان بوده است. براساس یافته‌ها سیاست‌های حمایتی، پیشگیرانه و توانمندساز می‌توانند نقش مؤثری در بهبود وضعیت زنان آسیب‌دیده داشته باشند.

دسته‌ای از تحقیقات متمرکز بر علل بروز پدیده زنان آسیب دیده بویژه زنان خیابانی و فراری و پیامدهای این آسیب بوده‌اند (ضرغام و همکاران، ۱۳۹۷؛ مدنی و همکاران، ۱۳۹۱؛ صابری و همکاران، ۱۳۸۹؛ شرافتی‌پور، ۱۳۸۵؛ فلاحت‌پیشه و همکاران، ۱۳۹۶؛ زرگر و همکاران، ۱۳۸۸؛ فتحی، ۱۳۸۶). براساس این پژوهش‌ها عواملی همچون فقر، خشونت خانگی، اعتیاد و مشکلات خانوادگی نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز این پدیده دارند. همچنین، آسیب‌های جسمی، روانی و اجتماعی ناشی از این وضعیت به عنوان مهم‌ترین پیامدها احصاء شده‌اند.

در برخی از پژوهش‌ها، بررسی ویژگی‌های شخصیتی و روانی زنان آسیب دیده مورد توجه بوده است. (امامی و همکاران، ۱۳۹۰؛ خسروی، ۱۳۸۰). براساس این تحقیقات مشکلاتی مانند افسردگی، اضطراب، اعتماد به نفس پایین و احساس بی‌کفایتی در میان جامعه مورد بررسی شایع بوده است. مطابق با این نتایج، حمایت‌های روانشناختی و مشاوره‌ای در توانمندسازی زنان ضروری ارزیابی شده است.

برخی از محققان (بلداجی و همکاران، ۱۳۸۹؛ دوست‌محمدی، ۱۳۸۲) کیفیت زندگی زنان آسیب‌دیده و خدمات بهزیستی را موضوع تحقیق خود قرار داده‌اند. نتایج کلی این پژوهش‌ها حکایت از کیفیت زندگی پایین‌تر این قشر نسبت به سایر اقشار جامعه دارد.

مرور تحقیقات این حوزه در خارج از کشور حکایت از غنای این حوزه دارد چنانکه پژوهش‌های بین‌المللی متعددی به بررسی ابعاد گوناگون توانمندسازی زنان و چالش‌های فراروی این گروه جمعیتی پرداخته‌اند. این تحقیقات، با رویکردهای متنوع و با تمرکز بر زمینه‌های مختلف، تصویری روشن‌تر از وضعیت زنان آسیب دیده در سطح جهانی ارائه می‌دهند.

در برخی از مطالعات به روشنی نشان داده شده است که زنان در مواجهه با بحران‌های مختلف، از جمله جنگ، تغییرات اقلیمی، و بحران‌های بهداشتی مانند پاندمی کووید-۱۹، نسبت به مردان آسیب‌پذیری بیشتری دارند (کریستا^۱ و همکاران، ۲۰۲۳؛ توبی و همکاران، ۲۰۲۳) این یافته‌ها بر ضرورت توجه ویژه به نیازهای زنان در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های مرتبط با مدیریت بحران تأکید می‌کنند.

در طیفی دیگر از پژوهش‌ها (دات و گریب^۲، ۲۰۱۹؛ باساک و چوهاری^۳، ۲۰۲۳) مشخص شده است که گروه‌های خودیار و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش مهمی در توانمندسازی زنان، به‌ویژه در مناطق روستایی، ایفا کنند. این گروه‌ها با ایجاد فضایی حمایتی و ارائه آموزش‌ها و منابع لازم، به زنان در جهت افزایش استقلال و مشارکت اجتماعی کمک می‌کنند.

برخی از مطالعات (کاراسکو^۴، ۲۰۱۹) به بررسی نقش کارآفرینی و تعاونی‌های تحت رهبری زنان در توانمندسازی اقتصادی و کاهش نابرابری‌های جنسیتی پرداخته‌اند. این تحقیقات نشان می‌دهند که مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر همکاری و مشارکت، می‌توانند فرصت‌های شغلی مناسبی برای زنان فراهم کرده و به بهبود وضعیت اقتصادی آنان کمک کنند.

در تحقیق دیگر (سابا و المس^۵، ۲۰۱۸) بر نقش کلیدی آموزش در توانمندسازی زنان تأکید شده است. آموزش، با افزایش آگاهی و مهارت‌های زنان، زمینه‌ساز مشارکت فعال‌تر آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی می‌شود.

در پژوهش‌های فراوان دیگر (چالندر^۶ و همکاران (۲۰۲۲)، بورگو^۷ و همکاران (۲۰۲۱)، کانتورا^۸ و همکاران (۲۰۲۱)، ترلور^۹ و همکاران (۲۰۲۱)، کارنز^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۰)، همیلتون^{۱۱} و همکاران (۲۰۲۰)، شیولی^{۱۲} و همکاران (۲۰۲۰)، مانینگ^{۱۳} و همکاران (۲۰۲۰)، داوی و همکاران (۲۰۱۹)، جانسون و جکوبسون^{۱۴} (۲۰۱۷)، به بررسی وضعیت و تجارب زنان خیابانی و راهکارهای مختلف برای کاهش مشکلات آن‌ها در کشورهای مختلف پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که زنان

¹ Christia

² Dot and Grab

³ Basak and Chohari

⁴ Carrasco

⁵ Saba and Elms

⁶ Challenger

⁷ Borgo

⁸ Kantora

⁹ Trelor

¹⁰ Karns

¹¹ Hamilton

¹² Shivli

¹³ Manning

¹⁴ Johnson and Jacobson

آسیب‌دیده در سراسر جهان با چالش‌های مشترکی مواجه هستند. بر همین اساس این محققان ضرورت تدوین راهکارهای جهانی و تبادل تجربیات بین‌المللی در زمینه توانمندسازی زنان را پیشنهاد می‌کنند.

در بررسی مبانی نظری و پیشینه تجربی موضوع توانمندسازی زنان، مشخص شد که این مفهوم به عنوان یک فرآیند چندبعدی، پویا و جامع تعریف می‌شود که از طریق آن، افراد، گروه‌ها یا جوامع، کنترل و عاملیت بیشتری بر زندگی خود اعمال می‌کنند. این فرآیند، مستلزم ارتقای توانایی‌های تصمیم‌گیری و اجرای مؤثر این تصمیمات در راستای بهبود شرایط زیستی است.

بررسی تعاریف و ابعاد توانمندسازی نشان می‌دهد که این مفهوم صرفاً به مسائل اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روانی نیز نقش مهمی در این فرآیند دارند. توانمندسازی نه تنها شامل افزایش دسترسی به منابع بلکه شامل ایجاد آزادی انتخاب، توسعه مهارت‌ها و تغییر در روابط قدرت اجتماعی است.

مطالعات تجربی مرتبط نشان داد که توانمندسازی زنان، به ویژه زنان آسیب‌دیده اجتماعی، نیازمند رویکردی جامع و چندبعدی است که ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی را در نظر بگیرد. در بررسی تحقیقات انجام شده در ایران مشخص شد که در صورت تدوین و اجرای صحیح برنامه‌ها و اقدامات در جهت توانمندسازی زنان، به طور کلی، به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی زنان هدف مؤثر واقع شده است. با این حال، محققان به محدودیت‌هایی نظیر پوشش ناکافی، کمبود منابع و مشکلات اجرایی در این برنامه‌ها اشاره می‌کنند.

همچنین، مطالعات متعددی به بررسی عوامل زمینه‌ای و پیامدهای آسیب‌های اجتماعی در زنان پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که عوامل متعددی از جمله فقر، خشونت خانگی، اعتیاد و مشکلات خانوادگی در آسیب‌پذیری زنان نقش دارند. همچنین، پیامدهای جسمی، روانی و اجتماعی ناشی از آسیب‌های اجتماعی در این مطالعات مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی مطالعات بین‌المللی نیز نشان داد که زنان در سراسر جهان با چالش‌های مشترکی مواجه هستند. این امر ضرورت تدوین راهکارهای جهانی و تبادل تجربیات بین‌المللی در زمینه توانمندسازی زنان را برجسته می‌سازد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و به طور خاص، با بهره‌گیری از روش تحلیل تماتیک انجام شده است. از آنجا که هدف اصلی پژوهش، بررسی عمیق تجربیات زیسته و نظرات زنان آسیب‌دیده اجتماعی در خصوص توانمندسازی اقتصادی-اجتماعی است و تمرکز پژوهش بر معنا و تفسیر تجربیات زنان آسیب‌دیده اجتماعی است، نه صرفاً بر اعداد و آمار لذا از این روش بهره گرفتیم.

در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. مشارکت کنندگان از بین زنان روسپی که در ۳ مرکز خانه تلاش طوس، ده دی و هدایت نگهداری و توانمندسازی می‌شوند، انتخاب شده‌اند. در انتخاب مشارکت کنندگان ملاک

انتخاب برخورداری مشارکت کننده از حداکثر اطلاعات و تجربیات مرتبط با موضوع پژوهش بوده است. انتخاب تا زمان رسیدن به اشباع نظری^۱ ادامه یافت. یعنی بررسی چند مورد آخر هیچ داده‌ی متفاوتی با داده‌های قبلی را به دست ندهد. این مهم از طریق مقایسه مداوم صورت پذیرفت. پس از انجام ۲۰ مصاحبه به اشباع نظری دست یافتیم. جهت رعایت ملاحظات اخلاقی، ابتدا هدف از مطالعه به مشارکت کنندگان اطلاع رسانی شد و رضایت آنان جهت ورود به مصاحبه جلب می‌گردید. همچنین لزوم ثبت و ضبط مصاحبه‌ها و انتشار نتایج حاصل از تحقیق با مشارکت کنندگان بیان شد. به منظور محرمانه بودن مطالب و گمنامی مشارکت کنندگان، در کل متن مصاحبه، از اسم مستعار استفاده گردیده است. مشارکت کنندگان از حق انصراف از مصاحبه برخوردار بودند. جهت روایی و اعتبار از ملاک گوبا و لینکلن استفاده شده است. درگیری طولانی مدت محقق با داده‌ها، تایید مصاحبه‌ها توسط مشارکت کنندگان و اساتید راهنما، ثبت کلیه مراحل و روند تحقیق از ابتدا تا انتها، جهت دست یابی به روایی انجام شد. به منظور تعیین قابلیت اعتماد و کسب اطمینان از صحت داده‌ها، منابع آن و روش جمع‌آوری داده‌ها از روش ممیزی (Auditing) استفاده گردید به این صورت که مدیر تیم تحقیق به عنوان ممیز، بر مراحل انجام کار، مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده و فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها، نظارت داشت.

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شد. این نوع مصاحبه، ضمن حفظ چهارچوب کلی، امکان پاسخگویی آزادانه به سوالات و موضوعات مطرح‌شده توسط مشارکت کنندگان و دستیابی به عمق تجربیات و نظرات آن‌ها را فراهم می‌آورد. به منظور تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل تماتیک استفاده شد. برای این منظور از چارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک استفاده شد. در مرحله تولید کدهای اولیه، استخراج مفاهیم از عبارات معنایی صورت گرفت به این صورت که داده‌های زیاد را به تکه‌های کوچک معنایی تقلیل داده شده اند. در این مرحله ایده‌های ابتدایی در مورد کدها شکل گرفت. سپس کدگذاری توسط محققان انجام شد. در مرحله جستجوی تم‌ها، تلاش برای یافتن تم‌های اصلی که یک یا چند تم فرعی را پوشش می‌دهد آغاز شد و برخی از مفاهیم بررسی شده، در یک تم قرار گرفتند. پس از اتمام این مرحله، بررسی تم‌ها صورت گرفت تا مشخص شود تم‌های فرعی ایجاد شده به خوبی مفاهیم تحت شمول خود را پوشش می‌دهند یا خیر؟ در این مرحله، تم‌های اولیه که در مرحله قبل شناسایی شد، بررسی و اصلاح شدند. در مرحله آخر اصلاح نهایی تم‌ها صورت گرفت و ماهیت آن چیزی که هر تم در باره آن است مشخص شد.

جدول ۱: ویژگی‌های زمینه‌ای مشارکت کنندگان در تحقیق

شماره	سن	تحصیلات	رتبه فرزند	اعضای خانواده	وضعیت اقتصادی	وضعیت تأهل	فرزند
1	12	سوم ابتدایی	آخر (فرزند ششم)	6	متوسط	مجرد	-
2	15	مقطع هشتم	آخر (فرزند دوم)	4	ضعیف	مجرد	-
3	17	پنجم ابتدایی	فرزند اول	4	متوسط	مجرد	-
4	19	سیکل	فرزند اول	3	متوسط	مطلقه	1

¹ Theoretical saturation

5	20	دیپلم	تک فرزند	3	متوسط	مجرد	-
6	22	ابتدایی	فرزند اول	4	ضعیف	مجرد	-
7	24	ابتدایی	آخر (فرزند چهارم)	6	متوسط	مجرد	-
8	24	ابتدایی	فرزند دوم (وسط)	5	ضعیف	مجرد	-
9	26	دیپلم	آخر (فرزند دوم)	4	متوسط	مجرد	-
10	26	سیکل	فرزند دوم (وسط)	4	متوسط	مجرد	-
11	28	ابتدایی	فرزند دوم (وسط)	5	ضعیف	متارکه	-
12	31	سیکل	فرزند آخر	4	ضعیف	مجرد	-
13	33	ابتدایی	فرزند سوم	7	ضعیف	مجرد	-
14	35	سیکل	فرزند آخر	5	متوسط	مطلقه	1
15	36	ابتدایی	فرزند دوم	7	ضعیف	مطلقه	1
16	37	دیپلم	فرزند سوم	6	متوسط	مطلقه	2
17	38	ابتدایی	فرزند آخر	7	ضعیف	مطلقه	1
18	38	ابتدایی	فرزند چهارم	7	ضعیف	مطلقه	1
۱۹	۳۳	راهنمایی	فرزند اول	۸	ضعیف	مطلقه	۲
۲۰	۲۷	راهنمایی	فرزند دوم	۹	ضعیف	مطلقه	۱

یافته‌های حاصل از پژوهش:

یافته‌های تحقیق نشان داده است که زنان آسیب‌دیده با طیف گسترده‌ای از چالش‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، روانی، فرهنگی و قانونی روبرو بوده‌اند. این چالش‌ها به طور کلی در سه تم اصلی دسته‌بندی شده است که در ادامه به توضیح کدهای فوق پرداخته می‌شود:

جدول ۲: تحلیل تماتیک مشکلات زنان آسیب دیده

کدهای اصلی	کدهای محوری	برخی از کدهای باز ^۱
محرومیت ادراک شده فراگیر	محرومیت از دسترسی به فرصت‌های شغلی	نداشتن مهارت‌های حرفه‌ای، عدم تحصیلات کافی برای پیدا کردن شغل مناسب، بی اطلاعی از فرصت‌های شغلی، نداشتن سابقه کار کافی، برخورداری از موانع جسمی و روانی دست یابی به شغل
	محرومیت مالی	عدم توانایی در تامین نیازهای اساسی، داشتن بدهی، عدم دسترسی به منابع مالی، احساس گیرافتادن در یک باتلاق مالی، احساس وابستگی به دیگران، عدم توانایی در پس‌انداز یا برنامه‌ریزی مالی، احساس منفی بدلیل وابستگی مالی، ترس مداوم از قطع شدن منابع مالی، انجام برخی از کارها بدلیل نیاز مالی برخلاف میل باطنی
	محرومیت از وجود خانواده حمایت گر	طرد شدن از سوی خانواده، عدم درک و همدلی، فشار و سرزنش خانواده، عدم کمک مالی و عملی، احساس تنهایی در خانواده
تبعیض ادراک شده	تبعیض در بازار کار	رفتارهای تبعیض آمیز در محیط کار، - حقوق و مزایای کمتری نسبت به مردان، فرصت‌های شغلی کمتر بدلیل زن بودن، نگاه منفی خانواده به کار زن در بیرون از منزل
	تبعیض جنسیتی	کلیشه‌های جنسیتی، اجبار به ازدواج زودرس
تجربه بحران‌های چالش زای تشدید کننده	ضعف حمایت‌های اجتماعی	نبود فضاهای امن برای گفتگو، فقدان مشاوره‌های تخصصی، نبود گروه‌های حمایتی، احساس طردشدگی از جامعه
	مشکلات روانی	احساس پوچی و بی‌معنایی، افسردگی و غم عمیق، اضطراب و نگرانی مداوم، احساس گناه و شرم، احساس تنهایی و انزوا
	داغ ننگ	نگاه منفی جامعه به زنان آسیب‌دیده، بیرجسب‌های منفی جامعه،
	کمبود دسترسی به خدمات حقوقی	ناآگاهی از حقوق قانونی، مشکلات مالی برای استخدام وکیل، ترس از مراجعه به مراجع قانونی، عدم اعتماد به سیستم قضایی
	مشکلات در پیگیری حقوقی	فرآیندهای پیچیده و طولانی حقوقی، ترس از انتقام و تهدید، فشار روانی و خستگی، مشکلات مربوط به جمع‌آوری مدارک و شواهد

۱- جهت اجتناب از طولانی شدن مقاله صرفاً برخی از کدهای باز در این جدول ذکر شده است.

کد اصلی ۱: محرومیت ادراک شده فراگیر

محرومیت ادراک شده فراگیر یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که زنان آسیب‌دیده با آن مواجه بوده‌اند. در تحقیق حاضر ذیل این کد، مواردی چون محرومیت از دسترسی به فرصت‌های شغلی، محرومیت مالی و محرومیت از وجود خانواده حمایت‌گر به عنوان کدهای محوری استخراج شده است که در ادامه به هر یک اشاره می‌شود.

محرومیت از دسترسی به فرصت‌های شغلی

یکی از مسائل اصلی زنان آسیب‌دیده، محرومیت از دسترسی به فرصت‌های شغلی است. بسیاری از این زنان به دلیل نداشتن مهارت‌های حرفه‌ای و عدم تحصیلات کافی، توانایی پیدا کردن شغل مناسب را نداشته‌اند. پیش‌داوری‌های منفی در مورد زنان آسیب‌دیده مانعی برای استخدام آنها شده است. علاوه بر این، بی‌اطلاعی از فرصت‌های شغلی و نداشتن سابقه کار کافی، مشکلات بیشتری را برای این زنان ایجاد کرده است. برخی محدودیت‌های جسمی و روانی نیز این مشکل را تشدید نموده است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گوید: «خیلی دوست دارم یه کار داشته باشم، ولی خب نه مهارتی دارم، نه کسی هست که کمک کنه. همه‌ش دنبال کار می‌گردم، ولی همه‌شونم یا مرد می‌خوان، یا یه تخصصی می‌خوان که من ندارم».

محرومیت مالی

محرومیت مالی یکی دیگر از مشکلات اقتصادی زنان آسیب‌دیده است. این زنان توانایی تأمین نیازهای اساسی خود را نداشته و به دلیل داشتن بدهی، در وضعیت مالی بحرانی قرار داشته‌اند. عدم دسترسی به منابع مالی حتی برای مواردی چون بیماری نیز مشکلات بیشتری را برای این زنان ایجاد کرده است. احساس گرفتاری در یک باتلاق مالی، فشار روانی زیادی بر این زنان وارد کرده است.

در همین رابطه، یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در مصاحبه بیان داشت: «اگه یه کم پول داشتم، می‌تونستم یه کار کوچیکی راه بندازم. مثلاً یه خیاطی، یا یه آرایشگری. ولی خب، پولی نداشتم. کسی هم نبود که بهم قرض بده».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «رفتم بانک که وام بگیرم، گفتن باید ضامن داشته باشی. خب من کسی رو ندارم که ضامنم بشه. اصلاً نمی‌دونستم باید چیکار کنم».

محرومیت از وجود خانواده حمایت‌گر

محرومیت از وجود خانواده حمایت‌گر یکی دیگر از مشکلات اجتماعی زنان آسیب‌دیده بوده است. این زنان توسط خانواده طرد شده و از سوی آنها کمک مالی و عملی دریافت نمی‌کرده‌اند. فشار و سرزنش خانواده نیز احساس تنهایی در خانواده را برای این زنان به همراه داشته است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص اظهار داشت: «خانواده‌ام اصلاً منو درک نکردن و نمی‌کنن. همش بهم سرکوفت می‌زنن و می‌گن که باعث آبروریزی شون شدم. هیچ کسی رو ندارم که بهم کمک کنه».

تبعیض ادراک شده

تبعیض در بازار کار

نتایج تحقیق حاضر و پژوهش‌های مشابه (ویک و کونادا^۱، ۲۰۲۲؛ ماهاسه^۲، ۲۰۲۲) نشان می‌دهد که زنان آسیب‌دیده با تبعیض و نابرابری اجتماعی مواجه هستند. فرصت‌های شغلی کمتر به دلیل زن بودن و رفتارهای تبعیض‌آمیز در محیط کار، از جمله مشکلاتی است که این زنان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. حقوق و مزایای کمتری نسبت به مردان نیز از دیگر مشکلات اجتماعی این زنان است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گوید: «همیشه حس می‌کردم که چون زن هستم، یه جور دیگه باهام رفتار می‌شه. مثلاً تو استخدام، یا تو کار، همیشه تبعیض بوده. انگار که ماها، نصفِ مردا هم حساب نمی‌شیم».

تبعیض جنسیتی

تبعیض جنسیتی از دیگر مشکلات اجتماعی زنان آسیب‌دیده بوده است. این زنان با فشارهایی نظیر اجبار به ازدواج زودرس مواجه بوده‌اند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گوید: «تو فامیل، همش بهم می‌گن که نباید اینقدر تو اجتماع باشی و کار کنی. می‌گن که زن باید تو خونه باشه و به شوهرش خدمت کنه».

یکی دیگر از مصاحبه‌شدگان دلیل ازدواج زودهنگام خود را اینگونه توضیح می‌دهد «وقتی از خونه فرار کردم بهم تجاوز شد، بعد که منو تحویل خانوادم دادن پدرم من رو مجبور کرد که با یک پیرمرد ازدواج کنم، می‌گفت تو مایه ننگی»

تجربه بحران‌های چالش‌زای تشدیدکننده

ضعف حمایت‌های اجتماعی

ضعف حمایت‌های اجتماعی یکی دیگر از مشکلات زنان آسیب‌دیده بوده است. نبود فضاهای امن برای گفتگو، فقدان مشاوره‌های تخصصی و نبود گروه‌های حمایتی، احساس طردشدگی از جامعه را برای این زنان به دنبال داشته است. این مشکلات اجتماعی می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر روان و وضعیت اجتماعی این زنان داشته باشد.

در همین رابطه، یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در مصاحبه بیان داشت: «خیلی دلم می‌خواست که یه مشاور خوب داشته باشم که بتونم باهاش حرف بزنم و مشکلاتمو بگم. ولی خب، نه پولی داشتم، نه کسی رو می‌شناختم که کمک کنه».

¹ Vic and Konada

² Mahasa

مشکلات روانی

مشکلات روانی یکی دیگر از مشکلات اجتماعی زنان آسیب‌دیده بوده است. این زنان احساس پوچی و بی‌معنایی، افسردگی و غم عمیق، اضطراب و نگرانی مداوم، احساس گناه و شرم و احساس تنهایی و انزوا را تجربه کرده‌اند. این مشکلات روانی توانسته است زندگی روزمره و روابط اجتماعی این زنان را تحت تأثیر قرار دهد.

یکی از زنان شرکت‌کننده در مصاحبه در این مورد می‌گوید: «همش استرس دارم و همش گریه می‌کنم. نمی‌دونم چیکار کنم. حس می‌کنم که دیگه نمی‌تونم تحمل کنم».

داغ ننگ

داغ ننگ از دیگر مشکلات زنان آسیب‌دیده بوده است. نگاه منفی جامعه به زنان آسیب‌دیده، برچسب‌های منفی جامعه از جمله این مشکلات است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گوید: «وقتی اولین بار نرفتم خونه مون و پیش دوستم بودم ولی همسایه‌ها که متوجه شده بودن که من نیستم بهم می‌گفتن تو خرابی».

کمبود دسترسی به خدمات حقوقی

زنان آسیب‌دیده با کمبود دسترسی به خدمات حقوقی مواجه بوده‌اند. ناآگاهی از حقوق قانونی، مشکلات مالی برای استخدام وکیل، ترس از مراجعه به مراجع قانونی و عدم اعتماد به سیستم قضایی از جمله مشکلاتی بوده است که این زنان با آن مواجه شده‌اند. این مشکلات قانونی توانسته است مانع از دستیابی به حقوق و حمایت‌های قانونی این زنان شود.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گوید: «وقتی شوهرم منو کتک زد، خیلی ترسیدم. نمی‌دونستم باید چیکار کنم. رفتم پیش یه وکیل، ولی اونم گفت که باید پول زیادی بدم تا پرونده‌مو قبول کنه. منم که پولی نداشتم. خیلی دلم شکست. حس کردم هیچ راهی ندارم».

مشکلات در پیگیری حقوقی

مشکلات در پیگیری حقوقی یکی دیگر از مشکلات قانونی زنان آسیب‌دیده بوده است. فرآیندهای پیچیده و طولانی حقوقی، ترس از انتقام و تهدید، فشار روانی و خستگی و مشکلات مربوط به جمع‌آوری مدارک و شواهد از جمله مشکلاتی بوده است که این زنان با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند. این مشکلات توانسته‌اند مانع از دستیابی به عدالت و حقوق قانونی این زنان شود.

یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در مصاحبه با اشاره به تجربه خود در این زمینه گفت: «بعد از اینکه از شوهرم جدا شدم، برای گرفتن نفقه خیلی تلاش کردم. ولی انقدر رفت و آمد به دادگاه و بروکراسی زیاد بود که خسته شدم. همش باید دنبال مدرک و سند می‌بودم. آخرش دیگه بیخیال شدم. انگار قانون هم طرف اونایی هست که پول دارن و وکیل دارن».

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی زنان آسیب‌دیده اجتماعی تحت پوشش سازمان بهزیستی استان خراسان رضوی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این زنان با مشکلات متعددی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و قانونی روبرو هستند که فرآیند توانمندسازی آن‌ها را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است.

از منظر نظری، توانمندسازی به‌عنوان یک فرآیند چندبعدی در نظر گرفته می‌شود که شامل افزایش دسترسی به منابع، ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی، ایجاد فرصت‌های برابر و تقویت عاملیت افراد در تصمیم‌گیری‌های زندگی است. در این راستا، نظریه‌هایی همچون مدل توانمندسازی سارا لانگه، نظریه آزادی انتخاب آمارتیا سن و نگرش سه‌وجهی به توانمندسازی نایلا کبیر، بر اهمیت رویکردهای چندبعدی در فرآیند توانمندسازی تأکید دارند. یافته‌های این پژوهش نیز مؤید این دیدگاه است که زنان آسیب‌دیده اجتماعی نه‌تنها نیازمند حمایت‌های اقتصادی، بلکه به برنامه‌های آموزشی، حمایتی و مشاوره‌ای نیز نیاز دارند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی ازجمله کمبود فرصت‌های شغلی، ضعف شدید مالی و وابستگی مالی، از موانع اصلی توانمندسازی این زنان محسوب می‌شود. این یافته‌ها با مطالعات پیشین داخلی و خارجی (ازجمله نادری و همکاران، ۱۴۰۰؛ دماری و همکاران، ۱۳۹۹؛ بینش، ۲۰۱۵) همخوانی دارد که نشان داده‌اند بسیاری از برنامه‌های حمایتی نتوانسته‌اند پایداری اقتصادی این زنان را تضمین کنند. از سوی دیگر، نظریه توانمندسازی اجتماع‌محور دیوید فیتزمن بر ضرورت ایجاد فرصت‌های اقتصادی از طریق شبکه‌های اجتماعی تأکید دارد که در این زمینه، توسعه گروه‌های خودیار و کارآفرینی اجتماعی می‌تواند راهکاری مؤثر باشد.

مشکلات اجتماعی و فرهنگی، از جمله تبعیض‌های اجتماعی، کمبود حمایت‌های اجتماعی، فشارهای خانوادگی و نگاه منفی جامعه، چالش‌های دیگری است که در مسیر توانمندسازی این زنان شناسایی شده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های بین‌المللی (از جمله کریستا^۱ و همکاران، ۲۰۲۳؛ توبی^۲ و همکاران، ۲۰۲۳) که بر نقش انگ‌زنی اجتماعی در تضعیف عاملیت زنان تأکید کرده‌اند، همخوانی دارد. در چارچوب نظریه ادغام اجتماعی لین بنت، تأکید بر ایجاد فرصت‌های مشارکت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی از طریق سیاست‌های ادغام اجتماعی، می‌تواند در بهبود وضعیت این زنان مؤثر باشد.

مشکلات قانونی، از جمله دسترسی محدود به خدمات حقوقی و پیچیدگی‌های فرایندهای قضایی، مانعی دیگر در مسیر توانمندسازی زنان آسیب‌دیده است. این یافته‌ها با نتایج مطالعات داخلی و خارجی (از جمله زرگر و همکاران، ۱۳۸۸؛ فتحی و همکاران، ۱۳۸۶؛ دنگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۳) همخوانی دارد که نشان داده‌اند فرایندهای قانونی ناکارآمد، زنان را از پیگیری حقوق خود باز می‌دارد. این امر بر اهمیت اصلاحات حقوقی و ایجاد ساختارهای حمایتی تأکید دارد.

¹ Christa

² Toby

³ Dengue

با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که توانمندسازی زنان آسیب‌دیده اجتماعی یک فرآیند چندبعدی است که نیازمند مداخله‌های جامع در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی است. در این راستا، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- با توجه به تبعیضی که مشارکت کنندگان در بازار کار به آن اشاره نموده‌اند که همراه با عدم برخورداری از مهارت‌های جهت دست یابی به شکل ورود آنان را به بازار کار مختل می‌نمود لذا پیشنهاد می‌گردد:

الف - توسعه برنامه‌های آموزش مهارت‌های حرفه‌ای

ب- ارائه وام‌های کم‌بهره برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک.

۲- برای کاهش انگ زنی به زنان آسیب دیده، نیازمند راهبردهای چندوجهی هستیم که باید توسط مشاورین و روانپزشکان کارآزموده و رسانه‌های اجتماعی صورت گیرد. برای این منظور لازم است که:

الف - باید اصلاح درک زنان از تصویری که از خود دارند به همراه اصلاح بستر اجتماعی انگ زنی صورت گیرد. لازم است روانشناسان و روانکوان مهارت‌های لازم جهت مدیریت تصویر عمومی خود را به آنان بیاموزند.

ب- توجه هر چه بیشتر نهادهای دست‌اندرکار به افزایش حمایت‌های اجتماعی از زنان و دختران طرد شده از سوی خانواده و وجود مراکزی که در کنار نگهداری این زنان به رفع موانع بازگشت سالم این افراد به کانون خانواده و جامعه تلاش نماید.

ج- اصلاح قوانین حمایتی، تسهیل دسترسی زنان به خدمات حقوقی و کاهش پیچیدگی‌های دادرسی.

منابع:

- ۱) احمدنیا، شیرین (۱۳۸۳). اثرات اشتغال بر سلامت زنان. رفاه اجتماعی. شماره ۱۲
- ۲) احمدی، س (۱۳۹۸). بررسی ابعاد مختلف فقر و راهکارهای کاهش آن در ایران. مجله اقتصاد و برنامه‌ریزی، ۴۵، ۷۰-۵۰.
- ۳) ادیبی، حسین، انصاری، عبدالمعبود (۱۳۸۲)، نظریات جامعه‌شناسی، انتشارات جامعه تهران.
- ۴) ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۵) اشتری، بهناز (۱۳۸۲). پیامدهای توانمندسازی زنان در حرفه و کالت. پژوهش زنان. دوره اول. شماره ۵
- ۶) امامی، سوزان و همکاران (.). اثربخشی آموزش تنش‌زدایی تدریجی و مهارت‌های مقابله‌ای مسئله‌محور بر اضطراب و استرس تجربه شده در زنان آسیب دیده اجتماعی.
- ۷) آزادارمکی، تقی (۱۳۷۶)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سروش، چاپ اول.
- ۸) آشتیانی، کاظم (۱۳۸۸). تأثیر توانمندسازی بر توسعه اجتماعی. تهران: اداره کل برنامه‌ریزی و فناوری اطلاعات. گروه برنامه‌ریزی

- ۹) آقایی، علی اکبر و تیمورتاش، حسن (۱۳۸۹). بررسی رابطه و فرایند آسیب اجتماعی و امنیت اجتماعی. دانشنامه
- ۱۰) بلداجی، تاتینا؛ فروزان، آمنه و رفیعی، حسن (۱۳۸۹). کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی و زنان شاغل خدماتی. تهران. فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی. سال یازدهم. شماره ۴۰
- ۱۱) بیکر، تزر. ال (۱۳۸۸). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نائی. تهران: نشر نی
- ۱۲) پاکیزه، علی (۱۳۹۱). مقایسه اختلالات شخصیت در زنان آسیب دیده اجتماعی با زنان عادی استان بوشهر. شخصیت و تفاوت‌های فردی. دوره اول. شماره ۱
- ۱۳) پورگیو، فریده (۱۳۷۹). توانمندسازی زنان در ایران با تأکید بر رسانه‌ها و کتب درسی. تهران: اولین همایش توانمندی زنان
- ۱۴) پیرسون، کریستوفر (۱۳۸۴). معنای مدرنیت، گفتگوی کریستوفر پیرسون با آنتونی گیدنز، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات کویر
- ۱۵) ترابی مومن، الهام و همکاران (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی مداخلات مددکاری اجتماعی گروهی با رویکرد توسعه بر توانمندسازی روانی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار. تهران: توانبخشی
- ۱۶) توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲)، نظریه‌های جامعه‌شناسی. انتشارات سمت.
- ۱۷) جمشیدی، فخری (۱۳۷۸). ضرورت اجتماعی اشتغال زنان. کار و جامعه. شماره ۴۶
- ۱۸) چرمچیان لنگرودی، مهدی، علی بیگی، امیرحسین (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی. زن و جامعه، سال چهارم، شماره ۱
- ۱۹) حریری، نجلا (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی
- ۲۰) خادم شیرازی، فاطمه (۱۳۷۹). محورهای توانمندسازی زنان: تأمین اجتماعی، کاهش فقر و امنیت شغلی. تهران: اولین همایش توانمندی زنان
- ۲۱) خسروی، زهره (۱۳۷۸). بررسی مشکلات عاطفی، روانی و اجتماعی زنان سرپرست خانواده، تهران: مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری
- ۲۲) خیری و زارعان (۱۳۹۴). بررسی شیوه‌ها و الگوهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی. دانشگاه آزاد اسلامی. پایان نامه تحصیلی
- ۲۳) دوست محمدی، قدرت الله (۱۳۸۲). بررسی میزان موفقیت طرح‌های خودکفایی و اشتغال‌زایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار. سمنان: کمیته امداد امام خمینی
- ۲۴) ریتزر، جورج (۱۳۸۳)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی.
- ۲۵) زارعان، منصوره؛ زارعی، معصومه و هردوست، عطیه (۱۳۹۷). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران. زن در توسعه و سیاست. دوره ۱۶. شماره ۲
- ۲۶) زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۶)، زن و توسعه، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۲۷) زنجان، حبیب الله (۱۳۸۱). توانمندسازی زنان با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۲۸) سازمان بهزیستی کشور (۱۳۹۶). دستورالعمل اجرایی مرکز حمایت و توانمندسازی زنان آسیب دیده اجتماعی (راه نوین). معاونت امور اجتماعی. دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی
- ۲۹) سازمان بهزیستی کشور. (1399). گزارش سالانه برنامه‌های توانمندسازی گروه‌های هدف. تهران: سازمان بهزیستی کشور

- ۳۰) سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۹۲ - ۱۳۸۶). گزارش برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- ۳۱) ساعی ارسی، ایرج و ولی پور، شهریانو (۱۳۸۸). شناسایی عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان جهت مشارکت در توسعه اجتماعی (مطالعه موردی استان لرستان). فصلنامه علوم رفتاری
- ۳۲) سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۰). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگه
- ۳۳) سن، آمارتیا (۱۳۸۱). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه حسن راغفر. تهران: نشر کویر
- ۳۴) سن، آمارتیا (۱۳۸۵). توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- ۳۵) شادی طلب، ژاله (۱۳۸۴). توسعه و چالش‌های زنان ایران. تهران: نشر قطره
- ۳۶) شجاعی، زهرا (۱۳۷۹). مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان، امور مشارکت زنان ریاست جمهوری. تهران: نشر مرکز
- ۳۷) شکوری، علی (۱۳۸۷). سیاست‌های اجتماعی و توانمندسازی زنان. تهران: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی. شماره ۶۱ سال ۱۶
- ۳۸) شکوری، علی؛ رفعت‌جاه، مریم و جعفری، معصومه (۱۳۸۶). مؤلفه‌های توانمندی زنان و تبیین عوامل مؤثر بر آن. پژوهش زنان. دوره ۵. شماره ۱
- ۳۹) عارفی، مرضیه (۱۳۸۲). بررسی توصیفی خشونت خانگی علیه زنان در شهر ارومیه. مطالعات زنان. شماره ۲
- ۴۰) عباس زاده، محمد؛ بوداقي، علی و اقدسی علمداری، فرانک (.). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر راهکارهای بومی. مقاله برگزیده همایش ملی توانمندسازی
- ۴۱) علیایی زند، شهین (۱۳۸۱). ازدواج نامناسب بستری زمینه ساز برای روسپیگری. رفاه اجتماعی. دوره دوم. شماره ۵
- ۴۲) فرخی، طاهره (۱۳۷۶). نقش زنان در توسعه پایدار، تواناسازی زنان. ماهنامه تعاون. شماره ۷۴
- ۴۳) فلیک، اووه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی
- ۴۴) قلی پور، آرین و رحیمیان، اشرف (۱۳۸۸). رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی. سال یازدهم. شماره ۴۰
- ۴۵) کتابی، محمود؛ یزدخواستی، بهجت و فرخی راستایی، زهرا (۱۳۸۲). توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه. فصلنامه پژوهش زنان. سال سوم. شماره ۷
- ۴۶) کرایب، یان (۱۳۸۸). نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: نشر آگه
- ۴۷) کرلینجر، فرد. ان (۱۳۷۶). رگرسیون چندمتغیری در پژوهش رفتاری. ترجمه حسن سرایی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- ۴۸) کلدی، علیرضا و سلحشوری، پروانه (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر توانمندسازی زنان. مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال چهارم. شماره ۴
- ۴۹) کلیتون، اندرو، اوکلی، پیتر و پرات، برایان، توانمندسازی مردم، ترجمه پیروز ایزدی، سلسله انتشارات روستا و توسعه، شماره ۵۵.
- ۵۰) کوهن، ایراجی (۱۳۷۹)، آنتونی گیدنز در متفکران بزرگ جامعه شناسی، ویراسته راب استونز، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز
- ۵۱) کیمیائی، سیدعلی (۱۳۹۰). شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. تهران: فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی. سال یازدهم. شماره ۴۰
- ۵۲) گزارش تصویر ابعاد فقر در ایران. (1399). گزارش تصویری از ابعاد مختلف فقر در ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

- ۵۳) لانگه، سارا (۱۳۷۲). معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه. تهران: روشنگران
- ۵۴) محمدپور، احمد (۱۳۸۸). تحلیل داده‌های کیفی: رویه‌ها و مدل‌ها. نامه انسان‌شناسی. دوره دوم. شماره ۱۰
- ۵۵) محمدی، بهلول (۱۳۸۶). عوامل بازدارنده مؤثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی استان قزوین. پایان نامه کارشناسی ارشد. قزوین
- ۵۶) محمدی، ز. (1398). توانمندسازی زنان آسیب‌دیده اجتماعی: چالش‌ها و راهکارها. مجله رفاه اجتماعی، ۳۵، ۳۰-۵۵
- ۵۷) محمدی، زهرا (۱۳۸۶). زنان سرپرست خانوار. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی-اجتماعی زنان
- ۵۸) مدنی، سعید (۱۳۸۱). طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، تهران: دفتر بررسی‌های اقتصادی - فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- ۵۹) معروفی، پروین و حمیدی، اسماعیل (۱۳۸۰). گامی بسوی توانمندسازی، راهنمای استفاده از اعتبارات خرد برای راه‌اندازی فعالیت‌های کوچک درآمدزا. تهران: نشر روناس
- ۶۰) معیدفر، سعید و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۶). زنان سرپرست خانوار؛ نکته‌ها و آسیب‌های اجتماعی. نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۲
- ۶۱) موزر، کارولین (۱۳۷۲). برنامه ریزی برحسب جنسیت در جهان سوم. نقش زنان در توسعه. تهران: روشنگران
- ۶۲) نیک‌نامی، عباس و امیریان، سمیه (). بررسی میزان اثر آموزش در توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش. مقاله برگزیده همایش ملی توانمندسازی
- ۶۳) وامقی، روشنگر؛ رفیعی، حسن؛ مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۸۸). تدوین سند ملی کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی ۱۳۸۵-۱۳۸۴ (مدون سازی یک تجربه). سال نهم. شماره ۳۲
- ۶۴) الهیاری، طلعت و اسدی، سیما (۱۳۹۴). اثربخشی خدمات ارائه شده توسط سازمان بهزیستی بر میزان توانمندی زنان سرپرست خانوار. تهران: فصلنامه علوم اجتماعی.
- ۶۵) هاشمی، قاسمی & یارمحمد. (۲۰۲۰). انجام پژوهش به روش تحلیل تماتیک: راهنمای عملی و گام به گام برای یادگیری و آموزش (مورد مطالعه: مصرف موسیقی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام). فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، 33-7، 20(64.65),

- 1) Bineesh, C.B. (2015). *Economic Independence of Rural Women through Microfinance - A Study with Special reference to VICIB by Sandhya Development Society in Idukki District. Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 5, 1-30.
- 2) Blanon, L., (1999). "Gender, psychological perspective", Allan and Bacon, Boston
- 3) Brivio, F., Viganò, A., Paterna, A., Palena, N., & Greco, A. (2023). Narrative Review and Analysis of the Use of "Lifestyle" in Health Psychology. *International journal of environmental research and public health*, 20(5), 4427. <https://doi.org/10.3390/ijerph20054427>
- 4) Buvinic, M. (1995). Investing in Women. Washington DC. International Center for Research on Women
- 5) Chambers, R. & Conway, G. (1992). Sustainable Rural LiveLihoods: Practical Concepts for the 21 Century. IDS Discussion 296. Brighton: IDS, University of Sussex
- 6) Chant, S. (1997). Women-headed households: poorest of the poor? Perspectives from Mexico, Costa Rica and the Philipines. IDS Bulletin 28

- 7) Chant, S. (2003). New Contributions to the Analysis of Poverty: Methodological and Conceptual Challenges to Understanding Poverty from a Gender Perspective. Santiago: CEPAL U.N. Womens Development Unit
- 8) Chant, S., (1997). "Woemen-headed Households: Diversity and Dynamics in the Developing World". Houndmills, Basingtoke: Mcmillan
- 9) Christian, M (1998). Empowerment and Black Communities in the UK. Oxford University Press and Community Development Journal. Vol:33. No:1
- 10) Clegg, S.R. (1989) Frameworks of Power. London: Sage Publications
- 11) Conger, J, A. and Kanungo, R. N.1988. "The empowerment process: Integrative Theory and Practice", The academy of Management Review 13/ 3
- 12) Corner, Lorraine (1997). Rural Development and Poverty Alleviation in Asean (A Gender Perspective). Bangkok: UNIFEM
- 13) Deng, R., Shi, Y., Zhang, R., & Feng, T. (2023). *Research on Legal Issues of Women's Rights and Interests Protection in Non-marital Cohabitation. Journal of Humanities, Arts and Social Science.*
- 14) Dennerstein, L. (1993). "Psychological and mental Health aspects of women's health". Wld statist. Quar, 46
- 15) Esping-Andersen, G. (1990). The Three Worlds of Welfare Capitalism. Princeton: Princeton University Press.
- 16) Farrest, W.D (1999). Education and Empowerment. Oxford University Press and Community Development Journal. Vol:34. No:2
- 17) Gafer, J. (1998). Growth, Inequality and Poverty in Selected Caribbean and Iatin American Countries, with Emphasis on Guyana. Journal of Latin Anti American Studies. 30:3
- 18) Galbraith, J. K. (2007). *The Economics of Inequality*. Cambridge: Harvard University Press.
- 19) Gearhart M. C. (2023). Mutual Efficacy, Self-Efficacy, and Collective Efficacy Theory: An Examination of Empowerment and Activism. *Social work*, 68(3), 192–200. <https://doi.org/10.1093/sw/swad018>
- 20) Giddens, A, (1984) the Constitution of Society, London, Polity
- 21) Gonazalez de ka Rocha, Mercedes and Grinspun, Alejandro (2001). Private Adjustments: Households, Crisis and Work, in Alejandro Grinspun(ed). Choices for the poor: Lessons from National Poverty Strategies. New York: NDP
- 22) Handy, C. (2004). *The Age of Paradox*. Boston: Harvard Business School Press.
- 23) Higgins, W.G (1999). Citizenship and Empowerment. Oxford University Press and Community Development Journal. Vol:34. No:4
- 24) ILO. (2008). Skills for improved productivity, employment growth and development. Geneva: International Labour Office.
- 25) Kabeer, N. (2005). "Gender equality and women's empowerment: A critical analysis of the third millennium development goal 1." *Gender & Development*, 13(1), 13-24.
- 26) Kabeer, Naila (2000) 'Reflections on the Measurement of Women's Empowerment.' In: *Discussing Women's Empowerment: Theory and Practice*. SIDA: Swedish International Development Cooperation Agency
- 27) Karen, K. (2000). Human Behavior Communities, Organization; Group in Macro Social Environment. Canada
- 28) Ketabi, M. (2003). Women's empowerment for participation in development. *Women's Research*. First year. No. 7

- 29) Mahase, E. (2022). *Vulnerable women are being failed by maternity services, report finds. BMJ*, 376.
- 30) Malhotra, A., Schuler, S.R. & Boender, C. (2002). Measuring women's empowerment as a variable in international development. Background paper prepared for the World Bank workshop on poverty and gender. Washington, D.C.: International Center for Research on Women
- 31) McClelland, D. C. (1995) *Power: the inner experience*. New York: Halstead
- 32) Miller, M., Rosa, W. E., Buller, H., McDarby, M., & Ferrell, B. R. (2024). "I Often Just Don't Know what to Say! ": Variations in Multidisciplinary Palliative Care Clinicians' Confidence and Needs Related to Spiritual Care. *The American journal of hospice & palliative care*, 10499091241265108. Advance online publication. <https://doi.org/10.1177/10499091241265108>
- 33) Mohammadi, Z. (2018). Empowerment of socially vulnerable women: Challenges and strategies. *Social Welfare Journal*, 35, 30-55.
- 34) Movaahed, M. (2003). Women political participation and effective social factors on it (Case Study of Bandar Abbas). *Women Study Magazine (Persian)*
- 35) Nanette, E. (1999). Czuba-Empowerment. *Journal of extension*. Vol. 37, No. 8
- 36) Sanni, Lekan (2006). Comparative study of female-headed households in the city of Ibadan.
- 37) Sazeman Behzisti Keshvar. (2019). *Annual Report of Empowerment Programs*. Tehran: Sazeman Behzisti Keshvar.
- 38) Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. Oxford: Oxford University Press.
- 39) Simon, B. L. (1994). *The empowerment tradition in american social work: A History*. New York: Columbia University Press.
- 40) Singh, S., & Bedi, D. (2022). *Financial Disruption and Psychological Underpinning During COVID-19: A Review and Research Agenda. Frontiers in Psychology*, 13.
- 41) Snehendu, B. K.; Catherin, A. P. & Chickering, K. (1999). Empowerment of Women for Health Promotion: a meta analysis. *Social Science and Medicine*. Vol. 46
- 42) Spreitzer, G.M. (1996), "Psychological empowerment in the workplace: dimensions, measurement and validation", *Academy of Management Journal*, Vol. 38
- 43) Turner, Jonathan H. (2003) *The Structure of Sociological Theory*, United States, Wadsworth
- 44) Ugbomeh, M. M. George (2001). *Women Empowerment in Agricultural Education, for Sustainable Rural Development*, Oxford University Press and *Community Development Journal*, Vol. 36, No. 4
- 45) Wayack-Pambè, M., & Kouanda, S. (2022). *Intersectional discrimination, gender-based violence, and social participation of women with disabilities in Burkina Faso. AIDS Care*, 34, 46 - 51.
- 46) Whirter, E. (1999). *counselin for empowerment*. Alexandria, VA: American counseling Association
- 47) Woodward K. F. (2020). Individual nurse empowerment: A concept analysis. *Nursing forum*, 55(2), 136–143. <https://doi.org/10.1111/nuf.12407>
- 48) World Bank. (2016). *World Development Report 2016: Digital Dividends*. Washington, D.C